



گفت‌وگو با علی بهادری جهرمی
سخنگوی دولت سیزدهم

مردم نامحرم نیستند

۴



یادداشت ناصر ایمانی درباره
چالش‌های دولت در سال آینده

خانه‌تکانی دولت

۳



عباس سلیمی‌نمین از ویژگی‌های
رئیس دولت سیزدهم می‌گوید

فداکاری‌های رئیس‌جمهور

۶



درباره حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای
و آنچه در دستگاه قضا انجام داد

قاضی تحول‌خواه

۶



ویژه نوروز ۱۴۰۱

سیاست

پنجشنبه ۲۶ اسفند ۱۴۰۰ شماره ۶۱۸۱



انتخابات ۱۴۰۰ چگونه مرزهای سیاست‌ورزی را تغییر داد

فصل جدید حکمرانی

خانه‌تکانی دولت



ناصر ایمانی

کنشگر مسائل
سیاسی

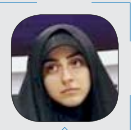
بزرگ‌ترین چالش دولت آقای رئیسی در سال پیش‌رو، نه مساله مذاکرات وین، قراردادهای درازمدت با برخی کشورهای شرق، تنش‌های منطقه‌ای و جنگ روسیه با اوکراین نیست و هیچ‌کدام از این مولفه‌های گفته‌شده تاثیرگذار چندان‌ی در آینده دولت ندارد به جز یک مساله که آن هم خود دولت آقای رئیسی است.

حتی اگر دولت امتیازهایی را کسب کند؛ یعنی برای مثال مذاکرات وین و برجام به نتیجه برسد، تحریم‌ها برداشته شود، قراردادهای درازمدت با کشورهای شرق بسته شود، سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور انجام شود و قیمت نفت و صادرات نفت افزایش پیدا کند، باز هم برای ساماندهی و مدیریت این امتیازها نیازمند یک دولت قوی هستیم. وقتی یک دولتی این امکان را کم داشته‌باشد بنابراین به همان میزان، شرایط استفاده‌اش از فرصت‌ها کم خواهد بود. درحالی که یکی از مسائل پیش روی ما ضعف مدیران عالی‌رتبه و میانی است و از این رو یکی از اقدامات فوری که آقای رئیسی باید انجام دهد، خانه‌تکانی در نظام دولت سپس روشن کردن استراتژی‌های خود در عرصه‌های مختلف است.

دولت سیزدهم هم به بازنگری جدی در مدیریت موقعیت‌ها نیاز دارد و هم در تعیین سیاست‌های کوتاه، میان و بلندمدت خود؛ به ویژه در سیاست‌های اقتصادی چراکه دولت در این زمینه ضعف دارد. این‌که می‌گوییم ضعف دارد به این معنا نیست که اقدامات خوب دولت در این چند ماه را نادیده می‌گیریم. اگر قرار باشد دولت به فرض ادامه شرایط موجود، بخواهد کشور را اداره کند، چنانچه یک‌سری موقعیت‌های مناسب نصیب کشور شود، باز هم مشکل و ضعف مدیریتی و راهبردی در سیاست‌های دولت، خود را نشان می‌دهد و بنابراین سیاست‌های این حوزه باید توسط دولت تقویت شود.

دولت هم در چشم‌انداز و راهبرد برای حل مشکلات نیاز به بازنگری دارد و هم در حوزه مدیریت. یعنی مدیرانی باید منصوب شوند که توانمندتر باشند و توانایی اعمال این راهبرد را داشته‌باشند اما در حال حاضر شاهدیم مدیران عالی‌رتبه اقتصادی یا برنامه ندارند یا برنامه دارند اما برنامه‌ها با یکدیگر همخوان نیست. مثال آن وضعیت سیاست‌های پولی، نظام بانکی کشور، نحوه مدیریت تورم و جلوگیری از افزایش نقدینگی است.

دولت در مولفه‌های کلان اقتصادی کشور، استراتژی ندارد و منظور از استراتژی امری مشخص است که مطرح و افراد جامعه و نخبگان از آن اطلاع داشته‌باشند. به عبارت بهتر هر کدام از مدیران اقتصادی کشور یک استراتژی دارند. و این مدیران، استراتژی‌های متفاوت خود را با هم جمع‌بندی نکرده‌اند تا نتیجه آن به یک سیاست کلی استراتژیک دولت برای اقتصاد کشور در زمان‌بندی کوتاه‌مدت، میان مدت و بلندمدت تبدیل شود. این مساله و چالش نه فقط در عرصه اقتصاد، بلکه در عرصه فرهنگ و سیاست‌خارجی هم به چشم می‌خورد.



سارا عاقلی

روزنامه‌نگار

احیای امید، کار ویژه هشتمین رئیس‌جمهور

احیای نهال امید در جامعه، کار ویژه مهم هشتمین رئیس‌جمهور بود. اهمیت این موضوع تا جایی بود که رهبر انقلاب نیز در نخستین دیدار خود با اعضای دولت جدید در شهریور ۱۴۰۰ به آن متذکر شدند و گفتند: «مساله احیای اعتماد و امید مردم بسیار چیز مهمی است؛ چون اعتماد مردم بزرگ‌ترین سرمایه دولت است. مردم وقتی به شما اعتماد کردند و به شما امید داشتند، با شما راه می‌آیند و کمک‌تان می‌کنند؛ این‌ برای دولت بزرگ‌ترین سرمایه است که بتواند اعتماد مردم را جلب کند. البته این متأسفانه یک مقداری آسیب دیده و بایستی ترمیم کنید.»

انتخاباتی متفاوت

انتخابات خرداد ۱۴۰۰ در حالی برگزار شد که بیش از یک سال از همه‌گیری کرونا می‌گذشت و ابعاد آن بیماری، مشارکت مردم را پای صندوق‌های رای تهدید می‌کرد. موضوعی که از چند ماه پیش از انتخابات، در فضای رسانه‌ای گوشزد می‌شد اما در نهایت، تدبیری که برای سلامت و مشارکت در نظر گرفته شد، به حذف کردن چند مرحله دستی از انتخابات و الکترونیکی کردن احراز هویت، خلاصه شد و وزارت کشور وقت به عنوان نهاد متولی برگزاری انتخابات، حتی نتوانست در مدیریت ازدحام صف‌ها در شعب رای‌گیری و به موقع رسیدن تعرفه‌ها، موفق عمل کند.

البته شیوه برگزاری انتخابات دولت سیزدهم تنها اتفاق ویژه خرداد ۱۴۰۰ نبود. بلکه پیش از آن، در مرحله بررسی نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری و احراز صلاحیت آنها توسط شورای نگهبان نیز موج رسانه‌ای دیگری شکل گرفته بود که از نتایج بررسی

سال ۱۴۰۰ نه فقط یک سال جدید، بلکه به باور عمومی آغاز سده‌ای جدید بود که از قضا مقارن با انتخابات سیزدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری و نویدبخش فصل جدید حکمرانی شد. حالا این سال زنده‌رو به اتمام است و از طرف دیگر در آستانه یک‌سالگی سیزدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری هستیم. و این گذر زمان، فرصتی را فراهم می‌کند تا ببینیم امید شکل گرفته به آغاز فصلی نو در عرصه سیاست، واقعی بوده و آیا توانسته سرریز خود را در سایر عرصه‌ها نشان دهد یا نه؟

در این انتخابات اما با رئیس‌جمهوری روبه‌رو بودیم که کار سختش، فقط پیروزی در کارزار انتخابات نبود. کار سخت‌تر او از فردای انتخابات آغاز می‌شد و آن سرپا کردن امیدی بود که در سال‌های پایانی دهه ۹۰، به‌ویژه در دو سال ۹۸ و ۹۹ از پا درآمده بود. جامعه ایران در دو سال پایانی دولت دوازدهم، با تجربه رهاشدگی از سمت دولت، بی‌خبری از تصمیمات ناگهانی و بی‌انصافی در مواجهه با اعتراضات مردمی، دوران سختی را تجربه کرد. موضوعی که گسل‌های سیاسی و اجتماعی را میان دولت و جامعه ایران تشدید کرد، جلوه آن را می‌شد در انتخابات مجلس یازدهم دید و از میزان مشارکت آن، برای انتخابات دولت سیزدهم نگران بود.

صلاحیت‌ها، عدم احراز صلاحیت رئیس‌سابق مجلس و معاون اول رئیس‌جمهور متعجب و ناراضی بود. موج مخالفت این بار چهره‌ها و گروه‌هایی را که پیش از این از تصمیمات شورای نگهبان دفاع می‌کردند نیز با خود همراه کرد. شرایط برگزاری انتخابات ۱۴۰۰ و حضور محدود چهره‌های متنوع سیاسی در کارزار انتخابات و از آن مهم‌تر شرایط سخت اقتصادی اجتماعی که رهاورد بی‌تدبیری به‌جا مانده از دولت دوازدهم بود، مشارکت ۴۸/۸ درصدی را رقم زد که گرچه کم‌سابقه اما نسبت به وضعیت کشور و شرایط زمانی، میزان منطقی به شمار می‌رفت و نهایتاً سید ابراهیم رئیسی با حدود ۶۲ درصد آراء، هشتمین رئیس‌جمهور کشور شد.

در میان مردم

اما این پایان ماجرا نبود. چراکه کشور در آن زمان، بحران‌های متعددی از نابسامانی در مهار کرونا گرفته تا وضعیت بحرانی بی‌آبی در خوزستان را تجربه می‌کرد. بر همین اساس مطالبه افکار عمومی از رئیس‌جمهور جدید این بود که پیگیری وضعیت بحرانی استان‌ها را به پس از تحلیف موکول نکند. اما اولین سفر استانی رئیس‌جمهور جدید پس از تشکیل رسمی دولت انجام شد و خوزستان اولین مقصد سفرهای استانی رئیسی در ۵ شهریور یعنی در روز پس از رای اعتماد مجلس به وزیران بود. استانی که در تابستان ۱۴۰۰ چالش‌های پرشماری را به علت خشکسالی تجربه کرد.

حضور دولت در میان مردم محدود به یک استان نماند و آخر هفته‌های دولت، به حضور در میان قشرهای مردمی اختصاص پیدا کرد. از استان‌های مختلف گرفته تا حضور در داروخانه ۲۹ فروردین. در واقع رئیسی تلاش می‌کرد با حضور در میان اقشار

مختلف جامعه، گسل‌های عمیقی که میراث‌دار آن شده بود را پر کنند. اما در عین حال باید مراقب می‌بود تا به آسیب دولت نهم و دهم مبنی بر عوام‌فریبی و افراط در توجه به مسائل خرد و نادیده مدیریت کلان دچار نشود.

بر همین اساس تلاش کرد تا شکل متفاوتی از حضور در میان مردم را به نمایش بگذارد. برای مثال وعده‌های کمتر در سفرهای استانی یا پیگیری سازمانی و رسانه‌ای دستوراتی مانند آزادسازی سواحل برای به نتیجه رسیدن، بر همین مبنا بود.

موضوعی که اصل آن نیز به عنوان یکی از مؤلفه‌های دولت مردمی مورد تأکید رهبر انقلاب بود و از طرفی وعده‌های بی‌مورد نیز مورد تذکر ایشان نیز قرار گرفت؛ «مردمی بودن مقوله گسترده‌ای است و جلوه‌هایی دارد. یک جلوه همین رفتن میان مردم و شنیدن بی‌واسطه از مردم است. این حرکت بسیار خوب و مستحسنی که دیروز جناب آقای رئیسی انجام دادند که رفتند خوزستان در میان مردم، با مردم، از آنها شنیدند، با آنها حرف زدند، این یک جلوه از مردمی بودن است و بسیار کار خوبی است. اگر طبق وعده‌ای که به مردم دادید، عمل کردید، مردم به شما اعتماد پیدا می‌کنند؛ اگر شما وعده کردید و عمل نشد یا گفتید فلان کار شده، مردم در واقعیت دیدند نشده، اعتماد مردم سلب می‌شود.»

سخت‌تر از سفرهای استانی

در واقع آنچه کار رئیسی و گروهش را برای سرپا کردن امید از دست رفته جامعه سخت‌تر می‌کند، پیچیده‌تر شدن مفهوم حکمرانی و در عین حال، پیچیده‌تر شدن درک شناختی جامعه است. به عبارت بهتر، سفرهای استانی به تنهایی برای حل چالش‌های گوناگون کفایت نمی‌کند. کار اصلی دولت، تصمیم‌گیری در لایه کلان است تا بتواند نتیجه و بازیابی اعتماد مردم را در سطح خرد برداشت کند. حضور در میان مردم، قدم نخست شنیدن و دیدن مشکلات واقعی جامعه است اما قدم اصلی، اقدام به مدیریت چالش‌ها بر مبنای یک شیوه خاص حکمرانی است.

نبود کلان‌ایده مشخص برای مدیریت و برنامه‌ریزی، مهم‌ترین پاشنه آشیل دولت سیزدهم محسوب می‌شود؛ موضوعی که از ابتدا و از زمان معرفی وزیران به مجلس، خود را نشان داد و مورد انتقاد قرار گرفت.

نگاه‌های مختلف حکمرانی

نیازمند یکی شدن

وجه مثبت گروه وزیرانی که رئیسی معرفی کرده

بود، جوان بودن آنان بود. اما این موضوع به تنهایی کفایت نمی‌کرد، چراکه اغلب چهره‌ها، ارتباط مدیریتی وسیعی با حوزه خود نداشتند یا بعضاً با ارائه برنامه‌های خود، کلی‌گویی و دور بودن از چالش‌های واقعی حوزه مربوطه را آشکار کردند. مانند آنچه درباره اسماعیلی، به عنوان وزیر فرهنگ و برنامه پیشنهادی او اتفاق افتاد. از طرف دیگر در موضوعات اقتصادی، گروه اقتصادی دولت تنوع بالایی داشت و بعضاً بین رویکردهای مدیران کلان و وزیران حوزه‌های اقتصادی، تفاوت‌های بنیادین به چشم می‌خورد. موضوعی که نیاز دولت به یکدستی در استراتژی را

برای تاثیرگذاری در عمل بیشتر نمایان می‌کرد. یکی از موضوعاتی که دولت سیزدهم تلاش کرد، نقطه تفاوتش با دولت پیشین باشد، سیاست خارجی و نوع نگاهش به مذاکرات بود. در واقع دولت سیزدهم علی‌رغم از سرگیری مذاکرات برجامی در سالی که گذشت، سعی کرد همه تخم‌مرغ‌های خود را در سبد مذاکرات برجامی نگذارد. بر همین اساس تمام ظرفیت‌های وزارت امور خارجه و وزیر خارجه را در این عرصه تعریف نکرد.

دستاوردهای دولت بدون برجام و FATF

توجه به ظرفیت کشورهای همسایه، ارتباط با کشورهای شرق، معطل FATF و برجام نشدن، پیشبرد مذاکرات برجامی همراه با سیاست خنثی‌سازی تحریم، باعث شد تا تحریم‌ها تا حدی کنترل شود و امکان فروش نفت و سرریز پول آن به کشور به گفته وزیر نفت تا حدی فراهم شود.

گرچه مذاکرات در واپسین روزهای سال ۱۴۰۰ متوقف شد اما ایران تلاش کرد تا ابتکار عمل را در مذاکرات به دست گیرد و در پیشبرد آن معطل غرب نباشد. تا جایی که برای ضمانت اجرایی تعهد طرف‌های غربی مخصوصاً آمریکا پیشنهادهایی را مطرح می‌کرد و در نهایت توقف مذاکرات نیز به دلیل بی‌عملی آمریکا برای اتخاذ تصمیم سیاسی رقم خورد.

مجموع نقاط مثبت و منفی، دولت سیزدهم انگیزه بالایی برای تحول در عرصه حکمرانی دارد و از طرف دیگر رویکردهای مردمی آن، نقطه قوت و امید آن به شمار می‌آید اما در صورتی می‌تواند تجلی فصلی نو در عرصه حکمرانی باشد که در ادامه مسیر خود، از گردنه ارائه استراتژی مشخص و یک گروه همگون، به سلامت عبور کند و بتواند در آستانه سال نو یک نگاه بلندمدت و استراتژی مشخص برای مواجهه با مشکلات به هم پیوسته و پیچیده عرضه کند.